



فربیا پزروه

اگر اعضای دولت جدید افغانستان به دویخش کلی نوگرا و سنتگرا دسته‌بندی شوند، مجیب‌الرحمن رحیمی، سخنگوی دکترعبدالله، به بخش روشنفکر و نوگرای دولت وحدت ملی تعلق خواهد داشت. او فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ایسکس بریتانیاست و در مبارزات انتخاباتی طولانی نیز سمت سخنگویی عبدالله را برعهده داشته است. حالا رحیمی در مجموعه «قصر سبیدار» و در ساختمانی نوساز در همسایگی محل کار دکترعبدالله رییس اجراییه جمهوری اسلامی افغانستان مستقر شده و به سوالات «شرق» پاسخ می‌دهد.

لا جنجال بر سر چگونگی تقسیم کابینه و پست‌های کلیدی امنیتی و اقتصادی برای تشکیل کابینه جدید در افغانستان همچنان ادامه دارد. این مساله نشان می‌دهد همان مسایل، دعواها و اختلافاتی که در برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در افغانستان به‌وجود آمد و اعلام نتایج را ماه‌ها به تأخیر انداخت. امروز در ماجرای تشکیل کابینه نیز ادامه دارد. سهم‌خواهی دوگروه «اصلاحات و همگرایی» و «تحول و تداوم» که از سوی عبدالله‌عبدالله و اشرف‌غنی رهبری می‌شوند، امروز بیش از سه‌ماه است که باعث کابینه هم دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی توسط دوستان‌ها اداره شوند. وضعیت تشکیل کابینه در دولت در نهایت به کجا می‌انجامد؟ در مورد تشکیل کابینه پیشرفت‌های جدی صورت گرفته است. به‌طور طبیعی هر دوطرف براساس توافقنامه سیاسی‌ای که صورت گرفته باید به طرف مشارکت در قدرت سیاسی‌ای به‌پیش بروند. ولی دوستان ما در گروه «تحول و تداوم»، تفسیرهای خاص خود را از توافقنامه سیاسی داشته‌اند که عدالت و مساواتی که ما در جریان توافقنامه به‌دنبال آن بودیم، امروز در تفسیر آنها دیده نمی‌شود. برداشت ما این بود که حکومت وحدت‌ملی براساس مشارکت مساوی در قدرت و تشریک مساوی در قدرت شکل می‌گیرد و بر همان اساس کمیته‌های کاری که درباره تقسیم قدرت شکل گرفته بود، به بحث کابینه از همان منظر نگاه می‌کرد. مساله ما تنها بحث تشکیل کابینه نبود. بحث تقسیم قدرت و مشارکت مساوی در سطح دولت افغانستان مطرح بود. در مورد کابینه هم دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی توسط دوستان‌ها مطرح شد ولی در پی مذاکرات طولانی آخرین تحولات نشان می‌دهد پیشرفت‌های خوبی درباره تعیین اعضای کابینه صورت گرفته است. امیدواریم قبل از کنگرانس لندن بیشترین پست‌های کابینه مشخص شوند. کار به‌طوری است که اول باید سهم‌گیری هر دوطرف در تعداد وزارتخانه‌ها مشخص شود و در قدم‌دوم هم انتخاب افراد که بحث درون‌سازمانی است، ولی رییس‌جمهور و ریاست اجراییه هم در این مورد مشورت‌ها و نظرات خود را خواهند داشت. دوستان بین‌المللی ما هم علاقه‌مند هستند تکلیف پست‌های کلیدی کابینه زودتر مشخص شود و من فکر می‌کنم در کنگرانس لندن وزرای بخش‌های اقتصادی و امنیتی در هیات همراه رییس‌جمهور به لندن همراه او خواهند بود. به‌هرحال محور اصلی تشکیل کنگرانس لندن تشکیل و معرفی حکومت وحدت‌ملی است و اینکه نشان داده شود که حکومت وحدت‌ملی به‌طور عملی شکل گرفته و وارد کار شده است. ما امیدواریم اگر تمام بخش‌های کابینه تا پیش از کنگرانس لندن انتخاب نشوند، دست‌کم بخش‌های مهمی مانند اقتصاد و امنیت مشخص شود.

لا اقتصاد افغانستان دست‌کم در یک‌سال گذشته به‌طور فزاینده‌ای با رکود مواجه بوده است. کارشناسان این مساله را تحت‌تأثیر روند طولانی برگزاری انتخابات و همچنین طولانی‌شدن تعیین وزرای کابینه می‌دانند. از سویی دیگر در این میان طالبان به فعالیت‌های اقتصادی خود با قدرت بیشتری ادامه داده‌اند. برخی براین باورند که در یک‌سال گذشته در بخش اقتصادی، طالبان تسلط کاملی بر برخی ولایات شرقی و جنوبی داشته و به‌طور عملی دولت مرکزی دست‌کم در بخش اقتصادی به حاشیه رانده شده است. نظر شما در این‌باره چیست و حکومت وحدت‌ملی برای حل این مساله چه برنامه مدونی در دست دارد؟

درک می‌کنم روند انتخابات بسیار طولانی شد و حوادثی اتفاق افتاد که نباید می‌افتاد و این مساله باعث ایجاد خلل‌هایی در بخش اقتصادی و فعالیت بازرگانی در سراسر افغانستان شد. باید به این مساله اعتراف کنیم. حکومت وحدت‌ملی تلاش دارد این خلل و مشکلاتی که در دوره برگزاری انتخابات ایجاد و تشدید شده است را حل کند و اقتصاد دوباره رونق خود را داشته باشد و دادوستد مردم به روال عادی خود بازگردد.

در آن دوران بحران به‌دلیل نگرانی‌های امنیتی و جنگ، بخشی از سرمایه‌دوران پول خود را از افغانستان بیرون بردند و ما شاهد روند کاهشی در بخش سرمایه‌گذاری‌های کلان در افغانستان بودیم. حتی سازمان‌های بین‌المللی هم میزان فعالیت‌های خود را در افغانستان کاهش دادند. همه اینها در روند اقتصاد کشور تأثیری به‌شدت منفی داشت. اما حالا با شکل‌گیری کابینه امیدواریم این روند اعتماد دوباره احیا شود و بتواند اثر مثبتی در روند کار بازار و همچنین کاهش قیمت‌ها داشته باشد. طالبان در افغانستان هیچ ولایت یا بخش بزرگ ولایتی را تحت کنترل خود ندارند. طالبان به‌صورت پراکنده عمل می‌کنند و بیشتر به اعمال تخریبی دست می‌زنند. آنها می‌توانند در مسیر راه‌ها مشکلاتی ایجاد کنند اما به‌صورت کلی هیچ شاهراه و مسیری در افغانستان در اختیار طالبان نیست. آنها تنها می‌توانند در راه‌های مواصلاتی کشور مشکلات و ناامنی ایجاد کنند. قوای مسلح افگلستان پس از طی مرحله‌گذار، مسوولیت‌های امنیتی را از قوای تاتو در اختیار گرفتند و نشان دادند توانایی دفاع از افغانستان را دارند و می‌توانند



سخنگوی ستاد «عبدالله عبدالله» در گفت‌وگو با «شرق»:

لازمه مبارزه با فساد، اصلاح «عدلیه» است

امنیت ملی و همچنین امنیت راه‌های مواصلاتی در افغانستان را تأمین کنند. البته در برخی نقاط مشکلاتی هم وجود دارد. باید توجه داشت پیش از این، از سوی حامد کرزای پیام‌های متناقضی بیرون می‌آمد اما امروز با روی‌کارآمدن دولت وحدت‌ملی روابط تنش‌زایی که ما با آمریکا و ناتو داشتیم خاتمه یافته است. از سوی دیگر دولت وحدت‌ملی در تلاش است تعریف روشنی از دوست و دشمن ارایه کند. نیروهای مسلح ما مجاهدان واقعی هستند که از کشور ما حمایت و محافظت می‌کنند. طالبان، القاعده، تروریست‌ها و آت‌هایی که علیه‌مردم ما می‌جنگند، دشمنان افغانستان هستند و مجموعه حکومت و مردم وظیفه خود می‌دانند که علیه آنان اقدام کنند.

لا و یا حداقل با آنها همکاری نکنند.

این‌همه در مجموع وظیفه‌ای را برای ما و مردم افغانستان ایجاد کرده و ما امیدواریم این تصمیمات در درازمدت آثار واقعی خود را در افغانستان نشان دهد.

آقای اشرف‌غنی اعلام کرده قصد دارد روابط خود را با کشورهای همسایه سامان دهد و در قدم‌اول روابط بین دوکشور را دوستانه تنظیم کند. اولین سفرهای خارجی ایشان هم به کشورهای همسایه، هندوستان و پاکستان بوده است. من در بین اقشار مختلف جامعه بودم و احساس کردم جامعه افغانستان نسبت به عملکرد همسایه جنوبی خود پاکستان بسیار حساسیت دارد و در مجموع رفتار همسایه جنوبی را با خود نمی‌پسندد. شما روابط بین دوکشور را چگونه ارزیابی و فکر می‌کنید دولت وحدت‌ملی چه برنامه‌ای برای از بین‌بردن مسایل جدی فی‌مابین پاکستان و افغانستان دارد؟ داشتن روابط حسنه با کشورهای همسایه برای افغانستان بسیار اهمیت دارد. هر دوجریان تحول و تداوم و اصلاحات و همگرایی در جریان انتخابات برنامه‌های زیادی در سیاست خارجی اعلام کردیم. امروز در مرحله حکومت وحدت‌ملی اتخاذ یک سیاست مشترک و ملی مطرح است. در این سیاست مشترک، ما برای روابط خود با کشورهای همسایه اهمیت بسیاری قابل هستیم؛ جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، آسیای میانه، چین و کشورهای منطقه‌ای، رابطه افغانستان و پاکستان دارای یک‌تاریخچه خاصی است. پیش‌تر اشتباهات و مداخلاتی از سوی پاکستان در افغانستان صورت گرفته و پیام‌های متناقضی هم از سوی دولت آقای‌کرزای در این مورد وجود داشته است. مساله حمایت از تروریسم بین‌المللی و نوع رابطه با تروریست‌های بین‌المللی در خاک پاکستان از جمله مسایلی بوده که همیشه بین پاکستان و افغانستان وجود داشته است. امروز به‌نظر می‌رسد همراه با تحولات در افغانستان تحولاتی هم در حکومت پاکستان به وجود آمده است. دولت آقای نوازشریف، رییس ستاد ارتش و رییس استخبارات پاکستان هم تغییر کردند. این مقامات سفرهایی به افغانستان داشته و با مقامات دولت جدید نشست‌هایی برگزار کرده‌اند.

لا متأسفانه در حکومت گذشته و در دولت آقای‌کرزای سیاست این بود که به‌هرحال فساد در کل جامعه وجود دارد و نمی‌توان با آن مبارزه کرد و در نهایت هم انگشت اتهام به سمت خارجی‌ها دراز می‌شد اما من امیدوارم رویکرد ما در حکومت وحدت‌ملی طوری باشد که به خطاها و نواقص اعتراف و تلاش کنیم که مشکلات را حل کنیم و گناه عملکرد خود را به گردن خارجی‌ها و دیگران نیندازیم

لا اما همیشه «ای‌اس‌ای – دستگاه امنیتی پاکستان» به دست داشتن در همه حوادث و مشکلات امنیتی با انفجارها در افغانستان متهم است. حتی در مورد انفجار انتحاری اخیر در ولایت پکتیکا که در آن بیش از ۵۰ نفر از جوانان کشته شدند نیز نامی از پاکستان برده می‌شود...

تاکنون اتهام رسمی از سوی دولت افغانستان در این مورد اعلام نشده است ولی با توجه به گذشته‌ها، سوظن، بدگمانی همواره وجود دارد. من فکر می‌کنم امروز یک فرصت نویی برای دوکشور ایجاد شده است. امیدوارم با توجه به تغییرات در حکومت‌های دوکشور، از این فرصت جدید به‌خوبی استفاده شود و روابط بین افغانستان و پاکستان بهبود یابد. به‌نظر من هر دوکشور باید به طالبان، القاعده و تروریسم به‌عنوان خطر مشترک نگاه کنند و در پی همکاری هر دوکشور این وضعیت بهبود یابد تا بتوانیم حرکت‌های تروریستی که هم برای ما و هم برای پاکستان خطر ناک است را مهار کنیم. برای همین مشکلات، رییس‌جمهور سفری به پاکستان داشته و به‌زودی رییس اجراییه هم به پاکستان سفر خواهد کرد. در ملاقات‌هایی که در سفر رییس‌جمهور پاکستان، رییس اطلاعات ارتش و رییس استخبارات پاکستان به افغانستان روی داد، صحبت از بازشدن صفحه‌ای جدید در روابط بین دوکشور بوده و هست و در سفری که رییس‌جمهور افغانستان به پاکستان داشت هم وعده‌هایی داده شده که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همکاری‌هایی آغاز شود. پاکستانی‌ها هم وعده دادند حسن‌نیت خود را به‌طور عملی به افغانستان نشان دهند.

لا افغانستان با ایران مرز مشترک بسیار زیادی دارد. از سوی دیگر اشتراکات فرهنگی و زبانی بین این دوکشور ریشه در تاریخ دارد. برنامه دولت جدید برای ارتباط با ایران به‌صورت مشخص چیست؟

روابط ایران و افغانستان همواره خوب بوده و ما هیچ‌گاه در روابط خود تنش جدی با ایران نداشته‌ایم. جمهوری اسلامی ایران با درک وضعیت افغانستان و با توجه به نیازمندی‌های افغانستان در بخش حضور نیروهای بین‌المللی در این کشور هم دیدگاه‌های عمل‌گرایانه‌ای داشته که همه آنها قابل استقبال بوده است. بحث قاچاق موادمخدر و بحث حضور جمعیت کثیری از مهاجران افغان در ایران گاهی مشکل‌زا بوده و گاهی نیز نیازمند این بوده که هر دوکشور در این موارد همکاری‌های بیشتری داشته باشند. در حکومت آقای‌کرزای روابط با ایران، حسنه و خوب بود و حالا هم امیدواریم بتوانیم در دولت جدید به تقویت روابط فی‌مابین بپردازیم. جمهوری اسلامی در ۱۳سال گذشته در



بخش‌های مختلفی به افغانستان کمک کرده است. امیدواریم کمک‌ها و همکاری‌ها افزایش پیدا کند و روابط تجاری و فرهنگی بین دوکشور تقویت شود. حکومت وحدت‌ملی در رابطه خود با ایران به‌قدری بحرانی نمی‌بیند. ما امیدواریم روابط با ایران بیش از پیش گسترش داشته باشد.

لا کمک‌های بین‌المللی به افغانستان در سال‌های پیشین بسیار زیاد بوده است. به‌نظر می‌رسد یکی از اهداف برگزاری کنگرانس لندن نیز جذب بیشتر کمک‌های بین‌المللی است. اما مساله مهم درباره کمک‌های خارجی، نحوه مصرف و هزینه‌کرد این کمک‌ها در داخل کشور است. برای کمک‌های میلیون‌دلاری به افغانستان چه اتفاقی می‌افتد؟ وزرای کابینه اصرار دارند این کمک‌ها به وزارتخانه‌ها داده نمی‌شود و به همین دلیل دولت به‌طور عملی نقشی در هزینه‌کرد کمک‌های بین‌المللی ندارد.

قرار نیست در کنگرانس لندن تعهدات تازه‌ای به افغانستان انجام شود. برگزاری این کنگرانس بیشتر به‌دلیل تجدید تعهدات پیشین مانند کنگرانس شیکاگو و توکیو است. تعهدات برای کمک‌های بلندمدت در آن کنگرانس‌ها به افغانستان داده شده است. تقاضای دولت افغانستان این بوده که ۵۰درصد این کمک‌ها به بودجه افغانستان تزریق شود و آخرین ارقامی که از وزارت مالیه بیرون آمده، نشان می‌دهد این اتفاق افتاده است. در سال مالی گذشته این اتفاق افتاده و باز هم ادامه خواهد داشت. برخی از این بودجه‌ها هم به‌دلیل مختلفی نظیر فسادهای مالی که در افغانستان روی داده و ظرفیت و توانایی دولت افغانستان برای مصرف پول از مجراهای دیگری در کشور مصرف می‌شود. تعهد دوجانبه‌ای بین افغانستان و جامعه‌جهانی درباره شفافیت و مبارزه با فساد شاخص‌های تعهد در آن مشخص شده که در آن افغانستان در کنگرانس لندن تکرار می‌کند و امیدواریم در سایه حکومت وحدت‌ملی که مدعی مبارزه با فساد اداری و اصلاحات در کشور است، در نحوه مصرف کمک‌های بین‌المللی تغییرات بیشتری صورت گیرد و بخش عمده این کمک‌ها از سوی دولت افغانستان مصرف شود و ما هم شفافیت در حساب‌دهی را بالا ببریم و نهادهای بین‌المللی مسوول که در مصرف این کمک‌ها در افغانستان دخالت دارند، به‌طور شفاف در این مساله عملکرد خود را اظهار کنند.

لا شما به بحث فساد مالی در دولت افغانستان اشاره کردید. پیش‌تر، هم آقای دکتر اشرف‌غنی و هم آقای دکترعبدالله درباره این مساله اظهاراتی داشته‌اند. گفته می‌شود مساله فساد مالی در کابل بانک یکی از نمادهای فساد مالی در افغانستان است. گاهی گفته می‌شود اگر قرار باشد با فساد مالی در افغانستان به‌طور جدی مبارزه شود، کل حکومت منحل خواهد شد. نظر شما در این زمینه چیست؟

چهارراه تجاری بین شمال و جنوب آسیا، خاوردور، کشورهای اروپایی، ایران و همچنین بهره‌مندی از منابع بکر و سرشار طبیعی، ظرفیت تبدیل‌گزارانه‌ای برای اقتصاد آوردن دل رهبران کهنشاه قبایل و سنت‌گرایان افغان ایجاد کرده، مسیر پیشرفت و توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان به چه سمت‌وسویی پیش خواهد رفت؟ به‌راستی چه تفاوتی میان اظهارات «احمدزی» با جنگ‌سالاران پیشین تدریوی چون عبدالرسول سیاف» وجود دارد؟ «احمدزی» به دنبال‌روی از سیاست ناموفق سلف خود «کرزای» درصدد است با تحت نظارت دولت در آوردن مدارس مذهبی، امکان فعالیت مدارس تندرو را محدود کند، با این حال این طرح ابهامات فراوانی دارد. آیا به غیر از تعلیم‌دیدگان مدارس مذهبی پاکستان که اکنون به افغانستان بازگشته‌اند و کنترل «دارالحافظ»‌ها را در اختیار دارند، افراد آموزش‌یافته و دارای صلاحیت دیگری برای آموزش وجود دارند؟ در این میان وضعیت محدودیت‌های اعمال‌شده بر آموزش دختران افغان چه خواهد شد که سال‌ها با ابزار سرکوب سنت، به پستوی خانه‌ها رانده شده بودند؟ آیا روستاییان افغان، افراد اعزامی دولت مرکزی برای آموزش مذهبی به فرزندانشان را خواهند پذیرفت؟ استفاده از عامل مذهب در افغانستان همواره باعث افزایش توانایی رهبران برای حذف مخالفان، بسیج مردم، جلب حمایت عمومی و مشروعیت‌بخشیدن به اقداماتشان و جذب سرمایه خارجی بوده است. برچسب‌خوردن بر پیشانی سیاستمداران و «غیرمذهبی» جلوه‌نمودن آنان در جامعه سنتی افغانستان همواره به ضررشان تمام شده است؛ برای مثال، در مورد «امان‌الله»، پادشاه پیشین افغانستان (۲۹-۱۹۱۹) که به‌دلیل نقش‌آفرینی در شکست‌دادن بریتانیا در جنگ سوم افغانستان و بریتانیا، فردی محبوب در میان افغان‌ها بود به‌دلیل فشار رهبران قبایل شکست خورده، نزاع میان پادشاه و رهبران سنتی تا جایی بالاگرفت که آنان مدعی شدند که امان‌الله، مسلمان واقعی نیست چراکه تمایلی به جداسازی مردان از زنان در جامعه، به خصوص به مدارس ندارد، به پوشش برق زن‌ان وقتی نمی‌نهد و بالاتر از همه آموزش مسلمان‌مذهبی را ترویج کرده و خواستار اجرایی‌کردن اصلاحاتی به سبک آتاتورک در افغانستان است. برخی علما، امان‌الله را کافر خواندند و تصاویر او در دیدار با زنان بی‌حجاب در اروپا را منتشر کردند. کارشکنی‌ها علیه او موثر واقع شد و در نهایت امان‌الله مجبور به ترک کشورش و سفر به اروپا شد. در مقابل، مردم می‌پوئند که رویه دیگری را در پیش گرفتند. تجربه «عبدالرحمن» نشان داد که او توانست مذهب را تا حدی تحت سیطره دولت درآورد. او روحانیون را به حاشیه راند، بر هویت مسلمان دولتش تاکید کرد، بر اهمیت جهاد اکید وزید، مساله اعطای اختیار الهی به او و کسب اقتدار از جانب پروردگار را با هدف مشروعیت‌بخشیدن به دولتش مطرح کرد و گفت هرکس علیه اوست، مسلمان نیست.

کوزیمو مدیچی» از خاندان «شهریاران» محبوب «نیکولو ماکیاوولی» متفکر ایتالیایی گفته بود که انسان نمی‌تواند در حالی‌که به انجام مراسم عشاء ربانی ملتمز است، بر سر قدرت، باقی بماند. این سخن مدیچی به دشمنانش فرصت داد تا او را متهم کنند که خود را از وطن اجدادی‌اش بیشتر دوست دارد و این جهان را به جهان دیگر ترجیح می‌دهد. سپس گفته شد کوزیمو، فردی غیراخلاقی و تا حدودی بی‌بدین است. در همان حال، ماکیاوولی توصیه کرد شهریار باید مواظب باشد که وقتی انسانی او را می‌بیند یا گفتارش را می‌شنود کوچک‌ترین تردیدی برایش باقی نماند که این شهریار، مظهر اعتقاد به مذهب است. تظاهر به مذهبی جلوه‌کردن باید از هر ظاهرسازی دیگری برایش مهم‌تر باشد زیرا از دید ماکیاوولی، مردم دنیا به‌طور کلی با چشم قضاوت می‌کنند. در این میان، تنها عده معدودی قادر به درک باطن انسان هستند که آنها نیز به راستی جرات نمی‌کنند با جمع کثیر هواداران شهریار، مخالفت کنند.

شاید بتوان مصداق توصیه ماکیاوولی به زمامداران روزگاران گذشته ایتالیا را در رفتار و رویکرد کونونی «اشرف‌غنی احمدزی» رییس‌جمهوری افغانستان که در انتخاباتی پرحاشیه به‌قدرت رسید، مشاهده کرد. او که سال‌ها در مجامع بین‌المللی با صورتی اصلاح‌کرده و پوششی منطبق با معیارهای پذیرفته‌شده جهانی فعالیت کرده بود، ناگهان در آستانه نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری به سفر حج رفت، محاسن گذاشت و اکنون تسبیح‌به‌دست و با ظاهری سنتی همانند اعضای بلندپایه قبایل افغان در مجامع عمومی ظاهر می‌شود. او که در هرجایی به میل مخاطبانش حاضر می‌شود، در سخنرانی انتخاباتی خود گفته بود اگر رییس‌جمهور افغانستان شود به‌جز بردن چنددست لباس محدود، چیز بیشتری نمی‌خواهد و اگر پس از اتمام ریاست‌جمهوری چیزی برای خود برداشته باشد، شهروندان می‌توانند او را اعدام کنند. شعارهای پوپولیستی او در نهایت کارساز شدند. اکنون هواداران «احمدزی» از او به‌عنوان سیاستمداری با ظاهر «اسلامی، افغانی و علمی» یاد می‌کنند و این مورد را ملاکی برای موجه نشان‌دادن او قلمداد کرده و در مقابل، در توصیف «عبدالله‌عبدالله» نامزد رقیب او می‌نویسند: «سیاستمداری است که قیمتی‌ترین لباس‌های جهان را به‌تن کرده و خود را مانند خانم‌ها آرایش می‌کند. در احادیث آمده هر مردی خود را مانند خانم‌ها آرایش می‌کند، خواند او را لعنت کند»

در مقابل نیز، مخالفان «احمدزی» بحث دوگانگی شهروندی همسر او (زولا) را مطرح می‌کنند و می‌گویند شهروندی آمریکایی – لبنانی او و اینکه هنوز مشخص نیست که از دین مسیحیت به اسلام گرویده باشد، نماد «کفر» رییس‌جمهوری جدید افغانستان است. این در حالی‌است که «احمدزی» در اقدامی بی‌سابقه در مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری از همسرش به‌دلیل حمایت‌های همیشگی از زنان افغان تقدیر به‌عمل آورد.

یکی از مسایلی که «احمدزی» به‌عنوان کارتی در بازی سیاسی در حال استفاده از آن است، بهره‌برداری از «مذهب» برای دستیابی به مقاصد سیاسی است؛ کاری که طالبان نیز آن را به بدترین نحو ممکن انجام دادند. اگر او در کارزار انتخاباتی با حضور در میان زنان افغان در مراسم روز جهانی زن گفت که در دولتش حضور زنان را این مناصب حکومتی صرفاً اقدامی «سمبولیک» نخواهد بود و اکنون پس از به قدرت‌رسیدن اعلام کرده که قصد دارد «فاصله میان مکتب و مدرسه، مسجد و ارگ، سیاستمدار و عالم دین» را از میان بردارد.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که به‌راستی آیا فردی که در مقام استادی دانشگاه‌های «برکلی» و «جان هاپکینز» بوده و در دانشگاه‌های آمریکایی بیروت و «کلمبیا» تحصیل کرده و هوادارانش از این موضوع تحت عنوان نماد «فره‌بخشگی» او یاد می‌کنند نباید دید بازتری نسبت به لزوم «تفکیک قوا» و حوزه‌های مختلف از یکدیگر به‌عنوان پیش‌شرط ضروری توسعه‌یافتگی یک‌کشور داشته باشد؟ پرسش اصلی در اینجاست که درحالی‌که «احمدزی» شعارهای اصلاح‌طلبانه خود در کارزار انتخاباتی‌اش را کنار گذاشته و خط مشی محافظه‌کارانه‌ای برای اقتصاد آوردن دل رهبران کهنشاه قبایل و سنت‌گرایان افغان اتخاذ کرده، مسیر پیشرفت و توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی افغانستان به چه سمت‌وسویی پیش خواهد رفت؟ به‌راستی چه تفاوتی میان اظهارات «احمدزی» با جنگ‌سالاران پیشین تدریوی چون عبدالرسول سیاف» وجود دارد؟

«احمدزی» به دنبال‌روی از سیاست ناموفق سلف خود «کرزای» درصدد است با تحت نظارت دولت در آوردن مدارس مذهبی، امکان فعالیت مدارس تندرو را محدود کند، با این حال این طرح ابهامات فراوانی دارد. آیا به غیر از تعلیم‌دیدگان مدارس مذهبی پاکستان که اکنون به افغانستان بازگشته‌اند و کنترل «دارالحافظ»‌ها را در اختیار دارند، افراد آموزش‌یافته و دارای صلاحیت دیگری برای آموزش وجود دارند؟ در این میان وضعیت محدودیت‌های اعمال‌شده بر آموزش دختران افغان چه خواهد شد که سال‌ها با ابزار سرکوب سنت، به پستوی خانه‌ها رانده شده بودند؟ آیا روستاییان افغان، افراد اعزامی دولت مرکزی برای آموزش مذهبی به فرزندانشان را خواهند پذیرفت؟ استفاده از عامل مذهب در افغانستان همواره باعث افزایش توانایی رهبران برای حذف مخالفان، بسیج مردم، جلب حمایت عمومی و مشروعیت‌بخشیدن به اقداماتشان و جذب سرمایه خارجی بوده است. برچسب‌خوردن بر پیشانی سیاستمداران و «غیرمذهبی» جلوه‌نمودن آنان در جامعه سنتی افغانستان همواره به ضررشان تمام شده است؛ برای مثال، در مورد «امان‌الله»، پادشاه پیشین افغانستان (۲۹-۱۹۱۹) که به‌دلیل نقش‌آفرینی در شکست‌دادن بریتانیا در جنگ سوم افغانستان و بریتانیا، فردی محبوب در میان افغان‌ها بود به‌دلیل فشار رهبران قبایل شکست خورده، نزاع میان پادشاه و رهبران سنتی تا جایی بالاگرفت که آنان مدعی شدند که امان‌الله، مسلمان واقعی نیست چراکه تمایلی به جداسازی مردان از زنان در جامعه، به خصوص به مدارس ندارد، به پوشش برق زن‌ان وقتی نمی‌نهد و بالاتر از همه آموزش مسلمان‌مذهبی را ترویج کرده و خواستار اجرایی‌کردن اصلاحاتی به سبک آتاتورک در افغانستان است. برخی علما، امان‌الله را کافر خواندند و تصاویر او در دیدار با زنان بی‌حجاب در اروپا را منتشر کردند. کارشکنی‌ها علیه او موثر واقع شد و در نهایت امان‌الله مجبور به ترک کشورش و سفر به اروپا شد. در مقابل، مردم می‌پوئند که رویه دیگری را در پیش گرفتند. تجربه «عبدالرحمن» نشان داد که او توانست مذهب را تا حدی تحت سیطره دولت درآورد. او روحانیون را به حاشیه راند، بر هویت مسلمان دولتش تاکید کرد، بر اهمیت جهاد اکید وزید، مساله اعطای اختیار الهی به او و کسب اقتدار از جانب پروردگار را با هدف مشروعیت‌بخشیدن به دولتش مطرح کرد و گفت هرکس علیه اوست، مسلمان نیست.

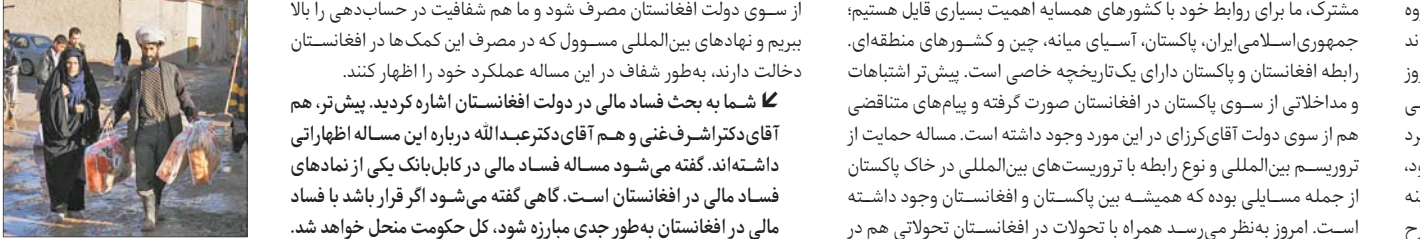
ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

افغانستان، کشوری که باید از نو شناخت

به‌طور سنتی نگاه جامعه نسبت به افغانستان با جنگ، ناامنی و حضور طالبان پیوند عمیقی دارد. اما در ۱۳سال گذشته افغانستان در عرصه‌های مختلفی چون حکومتداری، رشد منابع انسانی، توسعه اقتصادی و تحکیم هرچند اندک دموکراسی، دستاوردهایی نیز داشته است. هرچند این جامعه هنوز از فقدان طبقه متوسط دربخش‌های زیادی از کشور رنج می‌برد و با کم‌وکاستی‌های بی‌شماری روبه‌رو است، اما نمودار تحولات در این همسایه شرقی با شیب زیادی روبه‌رشد است. اگرچه در روزهای گذشته حمله‌های انتحاری در گوشه‌وکنار پایتخت، سایر ولایات و استان‌های افغانستان افزایش داشته است، اما این نیز می‌تواند نشانی از به‌نازورآفتن گروه‌های خشونت‌گرا باشد که بیش از برگزاری کنگرانس لندن قصد دارند فضای افغانستان را بیش از گذشته ناامن جلوه دهند. به هرحال امنیت، مساله اصلی در افغانستان امروز است که مسایل اقتصادی، سیاسی و معیشت مردم در این کشور را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. هرچند افغانستانی‌ها سعی دارند در کنگرانس لندن جامعه جهانی را قانع کنند که به تعهدات مالی خود در کنگرانس توکیو عمل کنند و آنها را افزایش دهند، اما به‌نظر می‌رسد حکومتگران جدید در این کشور باید به عاال ناامنی دولت پیشین نیز توجه داشته باشند. فساد اداری فقدان ظرفیت و نیروی انسانی متخصص و کارآمد، حکومتداری ناکارآمد و در برخی موارد بی‌علاقگی جامعه جهانی به رشد پایدار همه‌جانبه و به‌خصوص اقتصادی ریاست‌جمهوری از جمله مواردی است که باید توسط حکومتداران جدید در دولت وحدت ملی افغانستان به آن توجه شود. این کشور به علت موقعیت جغرافیایی قرارداشتن در

چهارراه تجاری بین شمال و جنوب آسیا، خاوردور، کشورهای اروپایی، ایران و همچنین بهره‌مندی از منابع بکر و سرشار طبیعی، ظرفیت تبدیل‌گزارانه‌ای برای اقتصاد قابل‌قبول دارد. افغانستان یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان است. در حالی‌که میانکین سن جمعیت در سطح جهانی ۲۸/۴سال است، میانکین سن جمعیت در افغانستان ۱۸سال است. نیروی انسانی در افغانستان یکی از مهم‌ترین منابع ثروت اقتصادی این کشور می‌رود. هرچند دموکراسی ترقیوی و وارداتی مشکلات تالی خود را در این کشور به‌همراه دارد، اما به‌نظر می‌رسد طبقه جدیدی در این کشور در حال شکل‌گیری و ظهور است و این طبقه نیازمندی‌ها و درخواست‌های خود را از حکومتداران جدید در افغانستان خواهد داشت. در ۱۳سال گذشته بیش از ۱۰۰کنفرانس و نشست بین‌المللی برای حل مسایل در افغانستان تشکیل شده و فردا کابل میزبان مقام‌های افغان و حدود ۷۰کشور و سازمان بین‌المللی خواهد بود. بحث اصلی در این کنفرانس، آینده همکاری جامعه بین‌المللی و افغانستان است. برگزاری کنفرانس لندن در حالی برگزار می‌شود که به نگرانی از فقدان امنیت، مسایل باید به نیروی انسانی، زیربنایهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری در عرصه معادن انسانیت و احداث جاده‌های مواصلاتی امن بیش از پیش توجه کند از این طریق افغانستان بتواند تعریفی از اقتصاد در کشور خود ارایه دهد. به‌نظر می‌رسد سایه جنگ و ناامنی در میان‌مدت از افغانستان خواهد رفت و این جامعه‌ای است که باید آن از نو شناخت.



متأسفانه فساد در افغانستان به‌صورت گسترده وجود دارد. در ۱۳سال گذشته این مساله وجود داشته و تا امروز هم ادامه دارد. یکی از تعهدات ما این است که با این فساد مبارزه کنیم. رییس‌جمهور و رییس اجراییه متعهد هستند در اصلاحاتی که در بحث حکومتداری پیش‌روی دارند، مبارزه با فساد اداری و مالی را در دستور کار خود قرار دهند. مبارزه با فساد اصلاحات در دستگاه قضایی، نظام‌عدلیه افغانستان، پلیس و محاکم باید صورت بگیرد و در روزهای آینده و پس از تشکیل کابینه، شاهد تغییرات جدی در ساختار قوهقضاییه و ساختار دولت خواهیم بود. اما فکر می‌کنم اگر بخواهیم واقعیت‌ها را بپذیریم، باید بگوییم اینکه فساد اداری و مالی در سایه حکومت وحدت‌ملی به‌طور کامل از بین برود، امکان‌پذیر نیست ولی امیدواریم تغییرات جدی پیش بیاید و تغییرات جدی از بالا شروع شود و به پایین برسد و یک ساختار مافیایی که در اقتصاد و در بخش قراردادها و مصرف پول‌هایی که جامعه بین‌المللی می‌آید و رشوه‌ستانی که در نظام اداری وجود دارد و همه اینها نگران‌کننده بود و است را در دور جدید حکومت و به مرور زمان حل کنیم. عوامل و ریشه‌های این مسایل در نظام اداری مالی افغانستان متعدد هستند که باید با آنها مبارزه شود. متأسفانه در حکومت گذشته و در دولت آقای‌کرزای سیاست این بود که به‌هرحال فساد در کل جامعه وجود دارد و نمی‌توان با آن مبارزه کرد و در نهایت هم انگشت اتهام به سمت خارجی‌ها دراز می‌شد اما من امیدوارم رویکرد ما در حکومت وحدت‌ملی طوری باشد که به خطاها و نواقص اعتراف و تلاش کنیم که مشکلات را حل کنیم و گناه عملکرد خود را به گردن خارجی‌ها و دیگران نیندازیم. نمی‌توان فساد اداری و مالی را یک مساله عادی دانست. اگر حکومتداری خوب صورت نگیرد، به‌طور طبیعی پیامدهای آن منفی خواهد بود.

لا اتفاقاً گفته می‌شود یکی از دلایلی که مردم نسبت‌به طالبان علاقه نشان دادند، این بود که توانستند مسایل قضایی و امنیتی کشور و مردم را اداره کنند. نظر شما در این زمینه چیست؟

بله، همین‌طور است. طالبان در مورد مسایل قضایی به‌سرعت تصمیم می‌گرفت و البته باید توجه داشت روی آوردن به چنان سیستم قضایی‌ای، نمادی از بدویت و عقب‌ماندگی است. در یک‌جامعه متمدن، ساختارهای پیچیده‌ای برای عیب‌مندی عدالت و قضا وجود دارد و مسایل باید از طریق این سیستم حل‌وفصل شود. محکمه‌های طالبان محکمه‌های صحرایی بودند و نمی‌تواند کارکردی برای یک جامعه شهری در دنیای امروز داشته باشد. در جوامع عقب مانده مردم آن نوع از عدالت را بیشتر می‌پسندند. شاید شهرنشینی و پیشرفت بتواند به حل بخشی از این مشکلات پاسخ دهد. ولی طبیعی است که در برخی مناطق وقتی قاضی و مسوولان دولتی سال‌ها رشوه بگیرند، مردم به‌دلیل حل مساله به یک‌گزیرنه دیگری متمایل می‌شوند. امیدواریم با مطرح‌کردن حکومتداری خوب (good government) بتوانیم به این مشکلات تا حدی پایان دهیم و اعتماد مردم را برای بار دیگر به شیوه‌های جدید حکومتداری جلب کنیم. در انتخابات هم مردم افغانستان با اصلاحات و همگرایی با از تحول و تداوم حمایت کردند. امروز همه اینها در حکومت نمایندگی می‌شوند و ما امیدواریم به‌این‌ترتیب فاصله‌ای که بین مردم و حکومت ایجاد شده بود به این ترتیب کم شود و از بین برود و با جلب حمایت مردم بتوانیم در انجام اصلاحات در حکومت گام‌های جدیدی برداریم.